

ادراک زنان پیرامون فضا شهر تهران

ریحانه باعزم^۱، خدیجه سفیری^{۲*}، خلیل میرزایی^۳، عبدالحسین کلانتری^۴

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۵/۲۴

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۴/۱۲

DOI: 10.30495/JISDS.2022.68375.11760

چکیده

هدف اصلی مقاله حاضر مطالعه ادراک زنان پیرامون فضای شهری تهران است. از همین رو این مقاله با اتخاذ رویکرد کیفی مبتنی بر پدیدارشناسی به مطالعه پدیده طرد اجتماعی زنان در فضای شهری تهران پرداخته است و بدین منظور ۲۹ نفر از زنان بین ۲۰ تا ۴۵ سال ساکن تهران بر اساس منطق نمونه‌گیری هدفمند انتخاب و با آنان مصاحبه صورت گرفت. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که زنان در عرصه‌های مختلف در جامعه با کمبود حمایتگری مواجه هستند. در واقع با مسائلی نظیر کمبود امنیت در فضای شهر، کمبود کارآمدی در امکانات و تجهیزات شهری، فقدان حمایتگری قانونی، فقدان حمایت در مقابل آسیب‌های اجتماعی، فقدان سازکار حمایتی در فضای اشتغال، ضعف اعتماد به نفس و عدم حمایت خانواده مواجه گردیده‌اند. این موارد موجب تضعیف و محرومیت زنان از حقوقشان گردیده است. از سوی دیگر با طرد زنان از جامعه، محرومیت و طرد اجتماعی به گروه‌های اجتماعی دیگر تسری پیدا می‌کند و ظرفیت زنان در بهبود وضعیت اجتماعی جامعه از دست می‌رود.

واژگان کلیدی: طرد اجتماعی، زنان، فضای شهری، تهران

(Email: yekta.bzm1987@gmail.com)

^۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

(Email: kh.safiri@alzahra.ac.ir)

^۲ استاد گروه علوم اجتماعی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران (نویسنده مسوول).

(Email: Mirzaee_khalil@riau.ac.ir)

^۳ دانشیار گروه علوم اجتماعی واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران

(Email: abkalanitari@ut.ac.ir)

^۴ دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه تهران، تهران، ایران

طرح مسئله

در دنیای انسانی هویت‌های انسانی حائز اهمیت است و جنسیت، نژاد، قومیت و ملیت جایگاهی ندارند. با این وجود جهان کنونی ما به سمت و سوی دیگری حرکت می‌کند و واقعیت حاکم در جامعه جهانی صورت دیگری دارد. در واقع جریان‌های جاری جوامع در راستای برجسته کردن و نادیده گرفتن برخی ابعاد بشری است و همین امر سبب فاصله‌گیری از برابری اجتماعی می‌گردد. در همین راستا برگمن بیان می‌کند که مطروذیت اجتماعی از تجزیه یا بد عمل کردن نظام‌های اصلی اجتماعی است که می‌بایست حقوق شهروندی را تضمین نمایند (غفاری و امیدی، ۱۳۸۹: ۴۲).

طرد اجتماعی و بریدن از جامعه، همواره و در هر جمعیتی، تهدیدی است که به انواع نابسامانی‌های روانی و اجتماعی منجر می‌گردد. این وضعیت تنها خاص جوامع توسعه نیافته نیست بلکه حتی در جوامع توسعه یافته نیز طرد اجتماعی به مسئله سیاستگذاران تبدیل شده است. طرد فراتر از ابعاد مادی و کمبودهای اقتصادی بر دامنه متنوعی از محرومیت‌های اجتماعی و محرومیت فرهنگی دلالت دارد. از نظر اجتماعی و فرهنگی، احساس طرد با عدم رضایت و عدم تعلق فرد به اجتماعات هویت بخش ارتباط دارد (حیدری ساریان، ۱۳۹۶: ۱۸۶ و ۱۸۷).

« زنان به لحاظ اجتماعی در معرض طرد قرار دارند زیرا طبقه اجتماعی آن‌ها به عنوان یک کل، عمدتاً در درون نقش‌های خاصی محدود شده است» (فیروزآبادی و صادقی، ۱۳۹۲: ۲۰۰). در واقع سنت‌های حاکم بر جوامع، از تحریک نقشی زنان جلوگیری می‌کند و این امر مانعی است که زنان در بسیاری از اجتماعات، کمتر در مکان‌های عمومی دیده شوند (همان، ۴۲ و ۴۳). محدودیت تحریک زنان در استفاده از فضا موجب بر ساخت هویت سلطه‌پذیر می‌شود. به همین دلیل زنان کل زندگی شخصی و اجتماعی خود را به نحو متمایزی از مردان تجربه می‌کنند (نقدی و دارابی، ۱۳۹۳: ۴۶۳).

دو بار در اثر مهم خود (۱۹۹۳) اعلام کرد که زنان تقریباً در تمام طول تاریخ «جنس دوم» در ساختارهای اجتماعی بوده‌اند و بنابراین دسترسی آنها به حوزه عمومی با مانع مواجه شده است (گونی، ۲۰۱۴: ۱۵۴). از سوی دیگر در بحث فضای شهری، ماریون رابرتس (۱۹۹۱) معتقد است که شهرها در اصل مردانه هستند؛ به خاطر ترکیب تثبیت شده سیاست‌های دولتی و انتظارات فرهنگی در زمینه زندگی خانوادگی، روابط جنسیتی، بهداشت عمومی، مادری. (جارویس، کانتور و کلارک، ۱۳۹۷: ۲۶۶). در واقع می‌توان بیان کرد که چشم‌انداز شهری به شکل‌های مختلف هویت‌های مردانه و زنانه را بازتولید می‌کند و این امر چه به صورت آشکار و چه به صورت ظریف و پنهان صورت می‌پذیرد. (همان، ۲۲۹).

رهیافت عدالت جنسیتی امری است بدون مرز و فراگیر که در صدد اثربخش کردن موقعیت زنان است. در واقع لازم است که نظام شهری در مسیر جریان‌سازی برابری جنسیتی حرکت کند. جریان‌سازی راهبردی است در راستای برابری جنسیتی و این امکان را برای زنان فراهم می‌کند تا در فضای شهری حضور یابند و از امکانات و منابع بهره‌مند گردند. از طرف دیگر طرحواره حضور و تشریک مساعی زنان در نظام شهری و جامعه این امر را صورت می‌بخشد که زنان با ویژگی‌هایی مانند مهربانی، مراقبت و خدمت کردن به هم‌نوع، به تغییر و ترمیم اجتماعی پردازند و مسئولیت اجتماعی خودشان را در قبال جامعه عملی سازند. با توجه به اشارات مطرح شده؛ این پژوهش درصدد است تا ادراک زنان پیرامون فضای شهر تهران را مطالعه کند.

مروری بر مطالعات گذشته

تحقیقی با عنوان «جنسیت و شهر: بازسازی شهری، طرد اجتماعی و مشارکت دموکراتیک» توسط واکرل (۲۰۱۳) انجام گردید. این مقاله به تجزیه و تحلیل چگونگی نابرابری‌های جنسیتی از طریق مسکن و حمل و نقل پرداخته است. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که علیرغم ده‌ها فعالیت شهری و تحقیقات اساسی در مورد جنسیت و شهرها، شکاف‌های بسیاری باقی مانده است. در ابتدایی‌ترین سطح، در کانادا آمار جنسیتی در مورد مسکن، حمل و نقل و استفاده از زیرساخت‌های شهری اغلب در دسترس نیست.

تحقیق دیگری با عنوان « شهرها از طریق دریچه جنسیتی: عصر شهری طلایی برای زنان در جنوب جهانی؟» توسط چانت (۲۰۱۳) انجام گرفت. اگرچه زنان شهری عموماً از مزایایی نسبت به هم‌تایان روستایی خود برخوردارند، طیفی از نابرابری‌ها و بی‌عدالتی‌های جنسیتی در مناطق شهری وجود دارد که مشارکت آن‌ها را در بازار کار و شرکت‌های غیررسمی محدود می‌کند و مانع از توسعه قابلیت‌ها در میان زنان جوان می‌شود. این نابرابری در دسترسی به آموزش و آموزش حرفه‌ای و مالکیت زمین و مسکن از طریق "لنز جنسیتی" بحث می‌شود. نتایج حاکی از آن است که تفکر «اقتصاد هوشمند» از طریق مفاهیم «شهرهای هوشمندتر» در دستور کار توسعه شهری نفوذ کرده است و اگر قرار است زنان از «عصر طلایی شهری» برخوردار شوند، حقوق و عدالت جنسیتی باید در گفتمان و برنامه ریزی رونق شهری در بالاترین حد خود باقی بماند.

هئودو و همکاران (۲۰۲۱)، پژوهشی با عنوان « گنجاندن دیدگاه‌های جنسیتی برای ارزیابی و کاهش آسیب‌پذیری شهری» انجام داده‌اند. گنجاندن دیدگاه‌های جنسیتی در هر زمینه و به ویژه در شهرسازی برای برنامه‌ریزی شهری بسیار مهم شده است. نتایج حاکی از آن است که گنجاندن دیدگاه‌های جنسیتی رویکردی دگرگون‌کننده است و پتانسیل زیادی برای تغییر اجتماعی دارد. در واقع اولویت‌بندی مناطق با نیازهای خاص، مانند برنامه‌های اجتماعی و برنامه‌های زنان، ممکن است منجر به کاهش قابل توجه آسیب‌پذیری شود.

او جی او و همکاران (۲۰۲۱)، تحقیقی با عنوان « توانمندسازی زنان و برابری جنسیتی در مناطق شهری: تهدیدها و پتانسیل‌های جدید در نیجریه» انجام داده‌اند. روند شهرنشینی مزایا و معایبی را برای برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان فراهم می‌کند. شرایط شهری اغلب برای زنان و کودکان، به‌ویژه در میان فقرا، دشوارتر است و آنها را در معرض اشکال جدید بهره‌کشی و تبعیض قرار می‌دهد. نتایج گویای آن است که رویکرد حساس جنسیتی به حکمرانی شهری مشارکت زنان را در توسعه سکونتگاه‌های انسانی افزایش می‌دهد و عملکرد شهرها را در استفاده از پتانسیل‌های شهری برای اجتماعی بهبود می‌بخشد. از سوی دیگر لازم به ذکر است که علیرغم آسیب‌پذیری‌های آشکار، محیط‌های شهری همچنان فرصت‌هایی را برای توانمندسازی زنان، تحقق شخصی و برابری جنسیتی فراهم می‌کنند.

بابایی و همکاران (۱۳۹۵)، تحقیقی با عنوان « تحلیلی بر عدالت جنسیتی در فضاهای عمومی شهرها مطالعه موردی: منطقه ۲ کلانشهر تبریز» انجام داده‌اند. هدف این مطالعه بررسی عدالت جنسیتی در فضاهای عمومی شهرهای ایران بوده است که منطقه ۲ کلانشهر تبریز به عنوان مورد مطالعه انتخاب شده است. رویکرد مطالعه توصیفی- تحلیلی و به صورت پیمایش در سطح منطقه بوده است. نتایج مطالعه نشان می‌دهد که نابرابری فضای جنسیتی در فضای شهری منطقه ۲ کلانشهر تبریز وجود دارد. ادراک مردان و زنان در این امر متفاوت است. زنان این نابرابری را در سطح خیلی زیاد درک می‌کنند ولی از نظر مردان در سطح تا حدودی بوده است.

تحقیق دیگری با عنوان اندازه‌گیری نابرابری جنسیتی در کلان شهرهای کشور به‌وسیله‌ی اعظم آزاده و شهانواز (۱۳۹۵) صورت گرفت. هدف این مطالعه بررسی وضعیت نابرابری جنسیتی در کلان شهرهای تهران، اصفهان، مشهد، تبریز و رشت می‌باشد. نتایج کلی مطالعه نشان می‌دهد که به صورت نسبی کلان شهرهای مورد بررسی دارای شاخص‌های نابرابری جنسیتی پایین‌تری از متوسط کشور می‌باشد. بالاترین نابرابری دستاوردهای آموزشی در اصفهان و پایین‌ترین در تهران بوده است. بالاترین میزان نابرابری مشارکت و فرصت‌های اقتصادی در تهران و کمترین در مشهد می‌باشد. کمترین میزان نابرابری در شاخص سلامتی و بقا در تهران و رشت دارای نابرابری بالاتری است. توانمندی سیاسی بالاترین نابرابری را در مشهد و کمترین نابرابری را در تهران نشان می‌دهد.

فزونی و عزیزی پور (۱۳۹۲)، مقاله‌ای با عنوان « طراحی شهری دموکراتیک، از کالبد طرد شده تا تجلی حضور شهروندی» انجام گردیده است. در راستای مسئله‌ی شهروندی، الگوی شهرسازی دموکراتیک مورد توجه قرار گرفت. طراحی شهرهای دموکراتیک در راستای شکل‌گیری جامعه و فضاهای شهری مدنی حرکت کرده که در تقابل با رویکردهای دیکتاتور مآبانه و غیرشهروندی

قرار می‌گیرد. این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای به بررسی و تبیین اصول دموکراتیک شهر پرداخته است.

پژوهش ارزیابی و تحلیل شاخص‌های طرد اجتماعی در فضای شهری توسط کلاتری و همکاران (۱۳۹۹) انجام گردید. نابرابری در فضای شهری از مسائل کلان شهرهاست. این پژوهش درصدد است تا به بررسی وضعیت شهری از نظر شاخص طرد اجتماعی بپردازد. نتایج حاکی از آن است که امکان فراهم آوردن فرصت‌ها و موقعیت‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی برای تمامی ساکنان این منطقه وجود ندارد و برخی از محله‌های آن فضاهای طرد شده محسوب می‌شوند.

پژوهش دیگری با عنوان «شهروندی و فضاهای طرد جنسیتی» توسط امیر ابراهیمی (۱۳۹۶) انجام گردید. طرد جنسیتی یکی از اشکال طرد اجتماعی است که سویه‌های چند بعدی اجتماعی-فضایی دارد. هر اندازه دسترسی به فضاهای عمومی محدودتر باشد؛ میزان برخورداری از حقوق شهروندی نیز کمتر است. این نوشتار به مطالعه‌ی رابطه‌ی مابین حقوق شهروندی زنان و حضور آنان در فضاهای شهری و خانگی می‌پردازد. نتایج این مطالعه گویای آن است که حضور زنان در برخی فضاها و عرصه‌های عمومی بدون توجه محدود و این نوع محرومیت موجب بروز سرخوردگی اجتماعی می‌گردد.

جمع بندی

این پژوهش درصدد مطالعه چالش‌ها و مسائل زنان پیرامون فضای شهری به واسطه ادارک و تجربه زیسته زنان است. ارزیابی مطالعات گویای آن است که برخی مطالعات به مسئله طرد و فضای شهری پرداختند و مولفه جنسیت در این پژوهش‌ها مغفول مانده است و برخی دیگر از تحقیقات پیرامون مسئله جنسیت و فضای شهری انجام شده است. در این پژوهش‌ها تنها مسئله نابرابری و بی‌عدالتی جنسیتی مورد مطالعه قرار گرفته است. سایر پژوهش‌های خارجی نیز بر تاثیر گذاری دیدگاه‌های جنسیتی در فضای شهری یا به نابرابری جنسیتی در حوزه مسکن و حمل و نقل پرداخته‌اند. بررسی مطالعات صورت گرفته بیانگر این است که در هیچ یک از پژوهش‌ها به کمبودها و دشواری‌هایی زنان در بخش‌های مختلف فضای شهری پرداخته نشده است.

ادبیات نظری

« طرد اجتماعی، فرآیندی پویا است. این فرآیند در بردارنده رابطه‌ای است که در آن، حداقل دو طرف امکان نابرابر در نفوذ، قدرت یا منابع دارند» (فیروزآبادی و صادقی، ۱۳۹۲: ۲۱۰). طرد وضعیتی نیست که یک‌باره رخ دهد. طرد معمولاً یک فرآیند گام به گام افزایشی است که در نهایت منجر به وضعیتی می‌شود که افراد به طور موثری از مشارکت اجتماعی در یک یا چند حوزه اجتماعی خارج می‌شوند. این فرآیند تحت تاثیر هنجارها و قوانین اجتماعی قرار دارد و انتخاب‌های افراد را محدود می‌کند (van Lieshout, 2001: 8).

در حقیقت طرد دلالت دارد بر گروه‌ها و افرادی که به واسطه‌ی شرایط و تصمیم‌هایی بیرون از قدرت کنترل آن‌ها طرد می‌گردند. (فیروزآبادی و صادقی، ۱۳۸۹: ۱۴۸) و « به مسائلی نظیر تضعیف پیوندهای اجتماعی، نداشتن تعلق، دسترسی نداشتن به انواع سرمایه‌ها، انزوا و گسست از شبکه‌ها و حمایت‌های اجتماعی اشاره دارد» (کازمی و عطار، ۱۳۹۴: ۳۰).

طرد اجتماعی فرآیند فقدان انسجام اجتماعی و گسیختگی پیش‌رونده در زمینه ارتباط میان فرد و جامعه در گروه‌های مسئله‌دار اجتماعی را بیان می‌کند. با غنی‌تر شدن ادبیات تحلیلی پدیده طردشدگی، طرد معنایی بسیار وسیع‌تر از فقر، نابرابری درآمدی، محرومیت اقتصادی یا فقدان شغل را پیدا کرد. در حقیقت طرد، مفهومی چند بعدی در نظر گرفته می‌شود که فقدان منابع یا نداشتن حقوق اجتماعی و فرآیندی پویا در طول زندگی افراد محروم را نشان می‌دهد و فرآیندی است که طی آن گروه‌هایی از شهروندان به واسطه دسترسی نداشتن به برخی امکانات، اطلاعات، مهارت‌ها، ارتباطات و فرصت‌ها از روند اصلی زندگی اجتماعی به حاشیه رانده می‌شوند و اشکال مختلفی از انزوا و محرومیت را تجربه می‌کنند (همان، ۲۷).

فضای شهری

شهر دائماً در حال تغییر است و فضاهاى شهری به شکل غیرقابل تصویری تغییر شکل می‌دهند به قول بودلر: «قلب هیچ انسانی به سرعت چهره شهر تغییر نمی‌کند». در مبحث فضاهاى شهری، فضا برای اشاره به موقعیت‌ها و محل‌های مکانی به کار نمی‌رود بلکه برای قراردادی مردم در ساختارهای اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در حقیقت فضا، ادراک آگاهانه محیط به وسیله انسان است که اثر فعالیت‌های انسانی آن را از حالت توده به فضا تبدیل کرده است. (رفعیان، حسین پور، ۱۳۹۱: ۷۶) به عبارتی بر اساس (فضای ادراک شده) کنش و واکنش نشان می‌دهد و اساس ادراک به نگرش و فرهنگی که در آن فضا جاری و ادراک می‌شود؛ مرتبط است. (رضوانی، ۱۳۹۵: ۶۲).

« فضای شهری تنها یک مفهوم کالبدی نیست بلکه اندر کنش تعاملات شهروندی و فعالیت‌های شهری را نیز در بر می‌گیرد یعنی کالبدی از شهر را مجسم می‌کند که مکان برقراری فعالیت‌های شهری یا عرصه بروز تعاملات اجتماعی است» (رفعیان، حسین پور، ۱۳۹۱: ۸۰). در حقیقت « شهر فضای کالبدی حیات اجتماعی جوامع است؛ جایی که در آن روابط انسانی و اجتماعی شکل گرفته و بارور و شکوفا شده است» (کاظمی و عطار، ۱۳۹۴: ۲۱۰).

« از نظر اجتماعی، شهرها مکان‌های مناسبی برای شکل‌گیری نهادهای جمعی، اعتلای ارزش‌های فرهنگی، گسترش و تحکیم روابط و مناسبات اجتماعی و پاسداری از روش‌های انسانی و هویت‌های محلی هستند» (فرجامی، ۱۳۸۳) به نقل از کاظمی و عطار، ۱۳۹۴: ۲۱۰). می‌توان مفهوم شهر را بدین ترتیب صورتبندی کرد: شهر نوعی سازمان‌یافتگی اجتماعی در فضا است که باید آن را تولید کننده دائم فرهنگ به شمار آورد. فرهنگ مجموعه‌ای از پدیده‌های رفتاری و ذهنی اکتسابی است که به جامعه شخصیت و هویت می‌بخشد و جامعه از طریق سازوکارهایی به انتقال این امر از نسلی به نسل دیگر می‌پردازد و در این شرایط شهر بهترین بستر برای فرآیند فرهنگ‌سازی به حساب می‌آید (فکوهی، ۱۳۸۳: ۲۸۶).

از زمان پیدایش شهرها، فضای شهری ماهیتی جنسیت شده داشتند و در برابر تحرک آزادانه زنان اعمال محدودیت می‌کردند. باندر معتقد است نظم پدرسالارانه جوامع با شکل‌گیری شهر تقویت شده، چرا که فضای جنسیت زده ناهمسانی قدرت مردان و زنان را تشدید می‌کند. محدودیت تحرک زنان و بر ساخت هویتشان به معنی تحت سلطه بودن آنان می‌بیند. از همین رو زنان در بسیاری از مراحل و موقعیت‌های زندگی با احساس هراس از مواجهه با دنیای مردانه که متعلق به آنان نیست روبرو می‌شوند (محبوبی شریعت‌پناهی و جنگ‌زرگری، ۱۳۹۷: ۱۰۷).

تمام شهرها هنجارهای مبتنی بر جنسیت را تحمیل می‌کنند. به بیان دیگر سازه‌ها و فرآیندهای جنسیتی ماهیت اجتماعی دارند و در مقابل تغییرات، ضعیف و آسیب‌پذیر هستند. در نتیجه ماهیت پرشور زندگی و سرعت بالای تغییر و بدیل‌های مختلف در شهر را سبب می‌شود (جارویس، کانتورو کلاک، ۱۳۹۷: ۲۲۴). با این وجود فضای شهری به ندرت بر حسب جدایی صریح جنسیتی مشخص می‌شوند. عادی شدن روزانه مردانگی هژمونیک و ترس از تاثیر عمیق انسان‌ها بر تجربه شهری، فرصت‌های زندگی و سلامتی افراد دارد. از موانع حقوقی در زمینه حق مالکیت و ترس از خشونت واقعی یا احساسی گرفته تا برجسب زنی ظریف ولی پنهان توسط شیوه لباس پوشیدن، ظاهر فرد و حس تناسب یا نرمال بودن یا نامناسب بودن. از سوی دیگر به صورت آشکارتری، مسئله قدرت و فرمان‌برداری، سلطه و مقاومت، تفکیک و قشربندی است که به راحتی از شکل و کارکرد برخی ساختمان‌ها، بناهای یاد بود، خیابان‌ها و علائم خیابانی می‌توان به آن‌ها پی برد (همان، ۴۸).

زیمل

«نزد زیمل نیز همه چیز در فضا قرار می‌گیرد؛ و این در فضا قرار گرفتن ویژگی‌های معینی به آن می‌تواند بخشند» (توفیق و خراسانی، ۱۳۹۴: ۲۳). او، فضا را یکی از بنیادی‌ترین تجربه انسان می‌داند، زیرا فعالیت‌ها و کنش‌های اجتماعی همواره در بافتی فضایی و

مکانی به وقوع می‌پیوندند. وی، اهمیت عنصر فضایی در تعاملات اجتماعی را باید در کیفیت خود فضا جست و جو کرد (ابراهیمی، ۱۳۸۹: ۱۶۳).

زیمیل اعتقاد دارد که فضا صرفاً به وسیله پیکربندی‌های اجتماعی نضح نمی‌گیرد و منحصرأ فضا را مفهومی اجتماعی نمی‌داند بلکه فضا واقعیت خاص خودش را دارد. درواقع می‌توان بیان کرد که دیدگاه زیمیل نسبت به فضا بین دترمینیسم فضایی و ساخت‌گرایی اجتماعی قرار می‌گیرد (ژیلینتس، ۱۳۹۶: ۹۸). درحقیقت فضا تنها و به طور مطلق توسط بستر اجتماعی شکل نمی‌گیرد بلکه فضا محصول دوبعد است؛ هستی‌شناسی فضا و مجرای اجتماعی.

از نظرگاه زیمیل فورم‌اسیون‌ها و برهم‌کنش‌های اجتماعی می‌توانند در فضا رخ دهند و محدود یا تغذیه شوند. این رابطه پویا همزیستی میان ساخت اجتماعی و دترمینیسم محیطی را نشان می‌دهد. او اظهار می‌کند « که فضا اساساً یکی از انضمامی‌ترین مشخصه‌های زندگی اجتماعی است؛ مشخصه‌ای که کمک می‌کند زندگی اجتماعی را بر حسب تجربه انسانی واقعی کنیم» لذا از نظرگاه وی شکل‌های بسیاری از جامعه زیستی (جامعه‌ای شدن) وجود دارد که اگر کانتکتست فضایی و استفاده‌شان را از فضا در نظر نگیریم، نمی‌توان به طور کامل آن‌ها را فهمید (همان، ۱۳۵).

فوکو

قدرت همچون نیرویی است که از دل اشخاص می‌گذرد و باز می‌گردد. در حقیقت ما سوژه‌های قدرت هستیم به عبارتی قدرت انسان‌ها را به کار می‌گیرد؛ نه بالعکس و در گذر زمان شکل‌های مختلفی به خود گرفته است اما هیچگاه پویایی خود را از دست نداده است و همیشه بوده است و همیشه می‌ماند. قدرت متمرکز نیست بلکه امری فراگیر و پراکنده است که در سراسر زندگی روزمره جریان دارد. هر رابطه اجتماعی رابطه قدرت است. قدرت امری ارتباطی است که از نقاط گوناگون پیکر اجتماعی می‌تواند اعمال شود. نه چیزی که به دست آید (فیروزآبادی و صادقی، ۱۳۹۲: ۱۴۸).

در وهله نخست ممکن است تحلیل قدرت از نگاه فوکو را معطوف به فهم چگونگی اعمال قدرت در دوره‌ها، نواحی، حوزه‌ها و سپهرهای تاریخی متفاوت بدانیم و به این ترتیب تحلیل وی مرتبط با فهم قدرت در فضا و به واسطه آن است. آنچه در کانون بررسی فوکو است رابطه نیروها در عملکرد و اعمال قدرت است. فوکو قدرت را هم‌چون مجموعه‌ای ناهمگن از استراتژی‌ها و تکنیک‌ها می‌داند که در سرتاسر جامعه پراکنده است. لذا قدرت مایملک هیچ گروه، طبقه یا نهاد خاصی نیست. تمرکز فوکو بر چگونگی هجوم « خرد قدرت‌ها» به درون زندگی‌ها و روابط روزمره ماست و اینکه این خرده قدرت‌ها چگونه شرایط و وسایل مورد نیاز قدرت را نه تنها برای دولت و دستگاهش، بلکه به شیوه‌ها و در شکل‌های بی شماری به وجود می‌آورند (ژیلینتس، ۱۳۹۶: ۲۶۰ و ۲۶۱).

لازم به ذکر است که فوکو می‌نویسد: « حکومت» صرفاً به ساختارهای سیاسی یا مدیریت دولت‌ها اشاره نمی‌کند؛ بلکه شیوه هدایت رفتار اشخاص منفرد یا دولت‌ها را تعیین می‌کند؛ حکومت بر کودکان، نفس‌ها کامیونیتی‌ها، خانواده‌ها یا بیماران. مفهوم حکومت صرفاً شکل‌های قانوناً ساخت‌یافته انقیاد، فرمان‌برداری سیاسی یا اقتصادی را در بر نمی‌گیرد، بلکه افزون بر این‌ها شامل شیوه‌های کنش کم و بیش بررسی شده‌ای می‌شود که برای تاثیر گذاشتن بر امکان‌های کنش دیگران طراحی شدند. حکومت کردن در این تعبیر به معنای ساختار بخشی، تنظیم گستره میدان ممکن کنش دیگران است» (همان، ۲۶۸).

فوکو (۱۹۸۰) ذکر کرد که قدرت در یک نظریه نمی‌گنجد زیرا قدرت شی نیست که جدا از مجرای زمانی و مکانی باشد (جارویس، ۱۳۹۷: ۲۳۶). از دید او فضا با الزامات کارکردی قدرت در ارتباط است. لذا مجموعه نوینی از پراکتیک‌ها و رویه‌های به طور خاص فضایی است که با پرورش سیتی و آنچه وی « حکومت‌مندی» می‌نامد؛ پیوند می‌خورد و این امر تمام آن فعالیت‌ها و سپهرهای کنشگری انسانی، چه به عنوان اشخاص منفرد و چه به طور جمعی را در بر می‌گیرد که باید ساختاریابی، دست‌کاری یا

کنترل شوند (ژلینتیس، ۱۳۹۶: ۲۶۸). به عبارتی می‌توان بیان کرد که اعمال قدرت از دید فوکو در تنوعی از مکان‌ها به دست بسیاری از افراد، نهادها و سازمان‌ها در زمان و مکان‌هایی متفاوت رخ می‌دهد. می‌توان اظهار کرد فضا عاملی تعیین کننده در عملکرد و سازماندهی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه است (همان، ۲۶۲).

قدرت در جوامع انضباطی مانند تیمارستان و آسایشگاه‌ها بر اساس انضباط سوژه‌ها را می‌سازد و شکل می‌دهد. انضباط گونه‌ای رام کردن افراد است که آن‌ها را شکل می‌دهد و از شکل می‌اندازد. در سیستم‌های انضباطی قدرت به صورت مستقیم اعمال می‌شد و قانون شکنان و متخلفین را به شکنجه گران می‌سپرد. ولی امروزه قدرت انضباطی میراث خود را به جامعه‌ی کنترلی واگذار کرده است. شکل جدیدی از روابط قدرت به وجود آمده است و خصلتی مویرگی پیدا کرده است. قدرت کنترل می‌کند، تنظیم می‌کند، می‌سازد و شکل می‌دهد. قدرت دیگر مرگ سوژه‌ها را نمی‌خواهد بلکه زندگی آن‌ها را به شکل خاصی سامان می‌دهد و این امر به صورت درونی صورت می‌گیرد. امروزه جوامع انضباطی با جوامع کنترلی درهم تنیده هستند و به این صورت کنترل فضا صورت می‌پذیرد. قدرت انضباطی و قدرت کنترلی در جامعه ایران درصدد نهادینه کردن ایدئولوژی خود برای زنان است یا اعمال قدرت به صورت رادیکال می‌باشد.

از پیامدهای صنعتی شدن و شهری شدن، آگاهی از نیاز به پرورش شیوه‌ها و وسایلی نوین برای فهم و در نتیجه کنترل و سازماندهی فضا و همراه با آن افراد و گروه‌هایی که در این فضا ساکن بودند. فوکو از تکنیک « هنر تمایز گذاری » سخن می‌گوید. در واقع گاهی لازم بود تا فضا برای تصریح اینکه یک مکان، مکان یک دسیپلین خاص است؛ محصور و دیوار کشی شود برای مثال پادگان‌ها، مدرسه، زندان یا کارخانه (ژلینتیس، ۱۳۹۶: ۲۷۰). زنان جزء جداناپذیر جامعه هستند و جداسازی زنان از مردان در جامعه گامی برای طرد زنان به شمار آید. به عبارتی اقدام به جداسازی در فضاهای عمومی در راستای نفی عدالت اجتماعی شهری به شمار می‌آید. درواقع شهری امکان تحقق عدالت فضایی را دارد که « همه‌ی سکونت‌کنندگان ظرفیت برابری برای اثرگذاری بر تصمیمات موثر بر فضاها، نهادها و منابع مشترک همه تضمین شده است » (برنر، ۱۳۹۸) روابط قدرت مبتنی بر جنسیت به شیوه‌های ظریف و پنهان عمل می‌کند و به ندرت می‌توان آن را با تفسیر لغوی سلطه زنان در مقابل کنترل مردسالارانه یکی دانست (جارویس، ۱۳۹۷: ۲۳۲).

می‌توان ذکر کرد که جاذبه‌های شهر مدرن برای زنان گم کردن خود در ازدحام است؛ به عبارتی تناقض زندگی شهری این است که هم عرصه‌ای برای دیدن و هم فضاهای خصوصی و انزوا باشد. فوکو واکنش‌هایی به مکان‌های تحت نظارت مطرح کرد « یک دام است »؛ زنان می‌توانند در شهرهای بسیار دیدنی باشند؛ همانند هدف‌های خصمانه یا احترام تحقیرآمیز که ویلسون آن را « آزادی ابهام آمیز » زندگی شهری می‌نامد (تانکیس، ۱۳۸۸: ۱۵۹).

به نظر فوکو هتروتوپیا فضایی است که قواعد جاری و معمول فضای کلی در آن صدق نمی‌کند. چنین فضاهایی عملکردها و صلاحیتهای فضایی خاص خود را دارند (توانا و شفیع، ۱۳۹۵: ۱۱۵). وی هتروتوپیاها یا دگر مکان‌ها را عرصه‌هایی معرفی می‌کند مابین مکانهای واقعی که - وجود دارند - و اتوپیاها - که به‌واقع وجود ندارند و گونه‌های آرمانی مکان‌های واقعی‌اند. با این توصیف که دگر مکان‌ها به منزله انفعال میان مکان‌های اجتماعی ایده‌آل (آرمانی) و واقعی در پیوندی معین با یکدیگر و همچنین در پیوند با ساختار اجتماعی قدرت قلمداد میشوند که عالوه بر آن که قابل اطلاق به مکانهای مادی، مانند قلمروهای شهری و یا حتی سازه‌های ژئوپولیتیکال است (غلامی، ۱۳۹۳: ۴۶).

اصطلاح « دیگر مکان » را برای توصیف فضایی است که حضور افراد نامطلوب مانع از یوتوپیا شدن آن می‌شود (گونواردنا و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۲). مکان‌های هتروتوپایی در شهرهای معاصر عبارتند از: مغازه‌های محل، زیرگذرهای عابر پیاده یا پارک‌های عمومی، حیاط سالن‌های کنسرت یا انبارهای بلا استفاده، همگی مکان‌های هتروتوپیا هستند. درواقع هتروتوپیا به عنوان مکان‌های فرهنگی در درون مرزهای شهر وجود دارند (همان، ۳۲۰).

هتروتوپیا فضاهای متناقضی هستند که چیزی را در مورد جامعه‌ای که در آن قرار دارند؛ نمایش می‌دهند. فوکو شش اصل برای هتروتوپیا معرفی می‌کند که عبارتند از: ۱- وجود هتروتوپیا در همه جوامع بر اساس بستر فرهنگی و به دونوع بحران و انحراف می‌باشد ۲- تغییر کارکرد هتروتوپیا در طول زمان ۳- هم‌نشینی کارکردها و فضاهای متناقض در هتروتوپیا ۴- ارتباط هتروتوپیا با زمان ۵- وجود سامانه‌ای برای ورود و خروج افراد به هتروتوپیا ۶- قرارگیری هتروتوپیا در یک طیف کارکردی با دیگر فضاها (فراش خیابانی و شهپیان، ۱۳۹۸: ۱۱۲).

فوکو دونوع هتروتوپیا را معرفی می‌کند: یک «هتروتپای بحران» که در آن برخی مناسک گذر اتفاق می‌افتد یا اعضای مریض و ناپاک جامعه از آن طرد می‌شوند و دیگری «هتروتپای انحراف» که در آن افراد مجرم، دیوانه و سالمندان وابسته یا مردگان اسکان می‌یابند. هتروتوپیا مکان‌هایی را ترکیب می‌کند که با خود ناسازگارند و درنهایت هتروتوپیا با تکه‌هایی از زمان مرتبط هستند که آن‌ها پذیرای هیتروکرنی هستند. هتروتوپای زودگذر و موقتی نظیر: کارناوال‌ها، جشنواره‌ها و نمایشگاه‌هایی وجود دارند که رویه‌های زمانی سنتی و کاربری‌های فضایی را دچار اختلال می‌سازند (پارکر، ۱۳۹۷: ۳۱۹).

روش تحقیق

مطالعه‌ی حاضر از جهان‌بینی و نظام فلسفی کیفی استفاده کرده است. پژوهشگر با استفاده از «پدیدارشناسی» (Phenomenology) درصدد فهم لایه‌های عمیق ذهنی زنان است. با استفاده از این روش می‌توان به ادراک ناب از تجربه زیسته انسان‌ها پرداخت تا عناصر بنیادین پدیده که به صورت مشترک بین افراد وجود دارد؛ شناسایی گردد. محقق در این راستا نگاه عاری از قضاوت نسبت به پدیده دارد و درصدد است تا درون مایه پدیده را فهم نماید. محوریت این روش بر تجربه و تفسیر است. پژوهشگر تجربه افراد را فهم می‌نماید و سپس به تفسیر و تحلیل افق مشترک فهم زنان نسبت به پدیده مورد مطالعه می‌پردازد.

این مطالعه برای گردآوری اطلاعات از مصاحبه عمیق استفاده کرده است. پژوهشگر با ۲۹ نفر از زنان بین ۲۰ تا ۴۵ سال ساکن تهران و با تمرکز بر پارامترهایی نظیر سن، وضعیت تاهل، وضعیت اشتغال، سطح تحصیلات و محل زندگی در ارتباط با مسئله‌ی تحقیق مصاحبه کرده است تا اشباع نظری حاصل گردید که در جدول شماره ۱ مشخصات ارائه شده است.

مشارکت‌کنندگان بر اساس منطق نمونه‌گیری غیر احتمالی هدفمند گزینش گردیدند. چرا که گردآوری اطلاعات مبتنی بر انتخاب افراد با ویژگی‌های لازم است. مصاحبه‌ها در این پژوهش گام به گام انجام گردیده و همزمان با گردآوری اولیه اطلاعات، تحلیل داده‌ها نیز صورت گرفته است. در تحلیل داده‌ها، ابتدا محقق درخصوص پدیده مورد مطالعه غوطه‌ور شده است. درواقع به آشنایی در مورد آنچه که هست پرداخته است و پس از آن به تأمل در ابعاد، بافت و هم‌چنین تعمیق معنای پدیده مورد مطالعه پرداخته است و در نهایت امر تفسیر عمیقی در خصوص پدیده ارائه شده است.

جدول ۱: وضعیت سن، تاهل، سواد، اشتغال و محل سکونت مشارکت‌کنندگان

کد	نام	سن	وضعیت تاهل	سواد	شغل	محل سکونت	کد	نام	سن	وضعیت تاهل	سواد	شغل	محل سکونت
۱	بهار	۳۸	متاهل	فوق لیسانس حسابداری	حسابدار شرکت خصوصی	شهرک بیمه	۱۶	شکیبا	۲۵	متاهل	فوق لیسانس حسابداری	حسابدار شرکت خصوصی	پاسداران
۲	سعیدیه	۴۳	مجرد	لیسانس شیمی معدن	مدیر دفتر شرکت بازرگانی	انتهای هفده شهریور جنوبی	۱۷	زینب	۲۳	متاهل	لیسانس کامپیوتر	خانه دار	هفده شهریور
۳	معصومه	۴۲	متاهل	لیسانس مدیریت فرهنگی	شهرداری تهران	دارآباد	۱۸	سودابه	۴۳	مجرد	فوق لیسانس حسابداری	کارمند بانک تجارت	میدان جمهوری

ادراک زنان پیرامون فضا شهر تهران / ۱۹۵

کد	نام	سن	وضعیت تاهل	سواد	شغل	محل سکونت	کد	نام	سن	وضعیت تاهل	سواد	شغل	محل سکونت
۴	فاطمه	۴۱	مجرد	فوق لیسانس	مدیر دفتر خدمات اجتماعی شهرداری تهران	بلوار فردوس غرب	۱۹	شهرزاد	۳۰	متاهل	لیسانس ارتباطات	شهرداری منطقه یک معاونت اجتماعی	نوبنیاد
۵	نرجس	۲۹	متاهل	فوق لیسانس مدیریت	خانه دار	آزادگان	۲۰	یاسمن	۲۸	مجرد	فوق لیسانس مدیریت بازرگانی	بیکار	یوسف آباد
۶	سمانه	۳۳	متاهل	لیسانس نرم افزار فوق لیسانس مدیریت بازرگانی	تحلیلگر سیستم بانکی	کوی گیشا	۲۱	طاهره	۴۱	متاهل	فوق لیسانس جامعه شناسی	کارمند شهرداری منطقه پانزده	مشیریه
۷	مینا	۳۲	مجرد	فوق لیسانس ارتباطات اجتماعی	خبرگزاری ایرنا	بهبخت آباد	۲۲	نجمه	۳۵	مجرد	لیسانس شیمی فوق لیسانس MBA	شرکت داروسازی	اکباتان
۸	منیره	۴۲	متاهل	لیسانس حسابداری	کارمند بانک	پیروزی، نیرو هوایی	۲۳	پرستو	۲۸	متاهل	لیسانس حسابداری	سالن زیبایی	فرجام
۹	شایسته	۲۶	متاهل	لیسانس آموزش زبان انگلیسی	تدریس زبان انگلیسی	عباس آباد	۲۴	سمیرا	۳۴	مجرد	فوق لیسانس پژوهشگری علوم اجتماعی	پژوهشگر	تهرانپارس
۱۰	شبنم	۳۶	مجرد	لیسانس تاریخ	کارمند شرکت مهندسی پزشکی	پیروزی	۲۵	مریم	۳۰	مجرد	لیسانس روزنامه نگاری	فریلنس، خبرنگار، نویسنده	اندیشه، عباس آباد
۱۱	مانده	۳۶	متاهل	فوق لیسانس فناوری اطلاعات	کارمند دانشگاه شریف	ستارخان	۲۶	یاسمن	۲۵	مجرد	لیسانس برنامه ریزی شهری	معلم دبستان	خیابان بهار، تهرانپارس
۱۲	الهام	۴۲	متاهل	فوق لیسانس مدیریت فرهنگی	خانه دار	سعادت آباد	۲۷	زهره	۴۱	متاهل	دیپلم	خانه دار	بلوار ابوذر
۱۳	زهره	۳۳	متاهل	فوق لیسانس زبان و ادبیات عربی	سازمان صنعت معدن تجارت	فلکه دوم صادقیه	۲۸	مهدیس	۲۶	متاهل	دیپلم	منشی دندانپزشک	سبلان
۱۴	گیتی	۴۳	متاهل	لیسانس مدیریت فرهنگی / مدیریت بازرگانی	شهرداری تهران	محله مهرآباد	۲۹	رویا	۳۷	متاهل	فوق دیپلم مدارک پزشکی	مدیر آموزشگاه موسیقی	تهرانپارس
۱۵	لیلا	۴۱	متاهل	دکتری مدیریت آموزشی	مدیر منابع انسانی شهرداری تهران	پیروزی							

یافته‌های پژوهش

با تغییر در زندگی بشر و پیدایش شهر مسائل و چالش‌های متعددی در این راستا برای بشر ایجاد شد. یکی از این مسائل مرتبط با ناکافی بودن حمایتگری از زنان در فضای شهری است. درواقع زنان با احساس بی‌پناهی اجتماعی در شهر مواجه هستند و نیازمند

حمایت از سوی جامعه در سطوح مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی هستند. به عبارتی کمبود سازوکارهای حمایتی برای زنان در فضای شهری تهران سبب عدم تسهیل کنشگری زنان در شهر شده است.

جدول ۲: سیر داده‌های خام به مفاهیم و مقولات

مقوله	مفهوم	داده خام
کمبود امنیت در فضای شهر	عدم امنیت دختران در فضای شهری	کد ۶ «پسره مثلا با دوستاش میتونه بیرون بره از سن مثلا سیزده چهارده سالگی مثلا با دوستاش بیرون میره ولی دختره هنوز نمی‌تونه چرا به خاطر این که نه این که دختره مشکل داشته باشه ما جامعه مون امن نبوده می‌دونی»
	احساس عدم امنیت زنان در فضاهای خلوت شهری	کد ۹ «بین آخه یکی این که اولاً محیط ما چون مسکونی نیست من محل زندگیون ساعت شش و هفت که میشه درواقع اداره ها تعطیل میشن کوچمه ما میشه ببخشید عین مرده خونه قشنگ یا روز جمعه انقدر خلوت انقدر خلوت که سرم بززن تو خیابون هیشکی نیست بیاد بگه کی بود اصلاً چی بود خب»
	احساس عدم امنیت والدین برای فرزندان	کد ۱۷ «میگم سطح فرهنگ ها پایینه ناامنی برای بچه ام هست»
	احساس عدم امنیت والدین برای فرزندان برای تردد	کد ۲۱ «را مدینه‌ی فاضله‌ای که پلیس همه جا باشه دوربین همه جا باشه من با یه اشاره یکی توی ساز و کار شهری در خدمتم باشه که بیاد مثلا دفع خطر کنه ازم اینا مدینه ی فاضله است خودتون هم میدونید دیگه وجود نداره حالا نمی‌دونم تو کشورهای دیگه وجود داره یا نه من تحقیق نکردم در موردش ولی فکر می‌کنم که با توجه به شرایط آدم باید سازگاری ایجاد کنه دیگه من به بچه ام یاد میدم که سعی کن از این تایم به بعد خونه باشی برنامه ریزی ات رو به جوری انجام بدی که خونه ، یا نه موظفی بیرون باشی اصلاً برنامه‌ریزی، مثلا به کنفرانسی هست شب برگزار میشه شکل اومدنت رو باید تغییر بدی ما بیایم دنبال این که شما ویژه ای بگیری تو رو برسونه نباید دیگه مثلا با حمل و نقل عمومی»
عدم احساس امنیت در فضای شهر	کد ۱ « آدم نمیتونه اون احساس امنیت رو داشته باشه و این طوری نیست راحت بتونی هر وزمان بری و بیای»	
کمبود کارآمدی در امکانات و تجهیزات شهری	احساس ناامنی ناشی از ناکارآمدی تجهیزات شهری	کد ۲۱ « باید زیرساخت ها برقرار شه که مناسب باشه من میگم گذاشتن یه سری تجهیزات کمک نمیکنه یه شهر امن شه باید این تجهیزات کارآمد بشه »
	احساس عدم امنیت به دلیل کمبود روشنایی در شهر	کد ۲۴ « به امکاناتی توی شهر مثلا روشنایی مثلا الان بعضی از محله ها واقعا روشنایی اش کمه یا نیست»
	احساس عدم امنیت به دلیل ناکارآمدی تاکسی بانوان	کد ۱۴ « تاکسی بانوان خب به زمانی بود ولی خب دیگه به جورایی کم‌رنگ شد ما مثلا باید واقعا به صورت جدی توی کار یقینیم یعنی مثلا اصلاً چه جوری ما به سازمان تاکسیرانی داریم به دونه هم مثلا برای خانمها باشه»
احساس عدم امنیت به دلیل ناکارآمدی حمل و نقل عمومی	کد ۱۹ «خانم‌ها واگن‌هایی که توی مترو دارن کوچی که آقایون هم میان اونجا اگر مثلا بهشون اعتراضی بشه فایده ای نداره کسی نیست اونجا مثلا رعایت بکنه بهشون گوشزد بکنه توی تردها این طوره »	
فقدان حمایتگری قانونی	کمبود قوانین حمایتی از زنان	کد ۱۶ « قانونی نیست که بتونه تلافیف بده که بتونه اقداماتی برای زنان انجام بشه»
	کم‌رنگ بودن حمایت قانونی از زنان	کد ۱۱ «مهمه قانونی از زن حمایت کنه باعث میشه که مرد به مقدار به قول معروف به بازدارندگی هایی داشته باشه که کم‌رنگ هست انگار نیست»
	نادیده گرفتن زنان در قانون	کد ۱۸ «قانونی که دارن مینویسن واقعا تو حالا چه در مورد محل کار من چه در مورد حالا تو سطح کلان کشور باید قانون رو طوری بنویسن که حقوق رو به صورت یکسان در نظر بگیرن ولی این طوری نیست از بالا تا پایین هم همین طور»
فقدان حمایت در مقابل آسیب‌های اجتماعی	عدم حمایت از زنان در مقابل آسیب‌ها	کد ۱۵ «حمایت نمیشه از خانمی که در معرض این آسیب قرار میگیره وقتی که خانم حمایت بشه دیگه اون آقا به خودش اجازه نمی‌ده»
	عدم امنیت زنان ناشی از آسیب‌ها	کد ۱۴ «یه خانم ولی خب همون خانم خودش احساس امنیت نمی‌کنه اون آسیب‌های اجتماعی زیاد هست و حالا کمک بشه به زنان»

مقوله	مفهوم	داده خام
	عدم امنیت زنان ناشی از آسیب‌های در فضای شهر	کد ۲۴: «یه مسئله ای که نامنی به وجود آورده مخصوصا توی پارکها یا مناطقی که برای حالا تفریح خانمهاست یا مثلا بچه ها یا هر چی وجود معتادین تو ، معتادین زیاد بوده که یا در حال مصرف موادن یا این که در حال خرید و فروش مواد بعضا اینا از یه قشری هستن که ممکنه به آسیبای دیگه هم مثلا دست بزنی مثل دزدی کردن مثل زورگیری کردن و از اینجور چیزا این موارد ، این مورد به نظرم تو هر منطقه ای که میزان ، میزانش بیشتر باشه بیشتر نامنی ایجاد میکنه»
فقدان سازکار حمایتی در فضای اشتغال	دریافت حقوق کمتر از جانب زنان	کد ۲۷: «آره دیگه مثلا سر یه کاری خب معمولا چون خانمها رو اگه انتخاب کنن به خاطر این که بتونن حقوق کمتری بهشون بدن می تونن راحت تر»
	عدم وجود فضای تشویقی برای زنان شاغل	کد ۲: «این فضای تشویقی به نظرم وجود نداره به نظرم اینه که شاید می تونستم مثلا با تشویق کردن زن ها فضا رو خیلی بهتر بکنن اعتماد به نفس خانمها رو بالا ببرن ولی نیست دیگه» ۸
	کمبود فرصت‌ها برای پیشرفت زنان در شغل	کد ۱۵: «مثلا بعضا خانمها این تصور رو دارن که ما استحقاقش رو داریم ولی سیستم بهمون مجال نداده سیستم همراهمون نکرده ممکنه باشه»
کمبود اعتماد به نفس در زنان	پایین بودن خودباوری در زنان	کد ۸: «خودباوریش خودباوری یه چیزیه که تو اکثر خانمها وجود داره باورشون نسبت به خودشون ضعیفه و این باعث میشه که خانمها عقب تر میرن میدونی»
	ترس زنان به دلیل ضعف اعتماد به نفس	کد ۷: «یک ترسی یعنی من خودم به شخصه با این مشکل مواجه نبودم ولی دیدم خانمها احساس میکنن یک ترسی مثلا برگردوندن غذایی که خب خوب نبوده آقاها حالا رد میشه برمیگرده پول منو بده این چه غذاییه ولی یه خانم میگه نه خجالت میکشم برم دعوا بکنه برم ردم بکنه اینجوری چی نه خانمها احساس میکنن یک نوع محدودیت خودخواسته»
	اعتماد به نفس پایین در فضای اشتغال	کد ۱۶: «اعتماد به نفسه به شدت پایینه و کسایی که اصلا میتونن به خودشون اجازه بدن که برن یه سمت شغلی مهمی رو بگیرن خیلی کمن و حالا اون آدمه جرأتش رو داشته باشه»
کمبود حمایتگری از دختران در خانواده	تفاوت تربیت بین دختر و پسر در نهاد خانواده	کد ۱۵: «خب خانواده نگاه بدی داشته باشه به جنس دختر لیلی بخوره که مثلا این دختریه اون پسره شاید اینها یه خرده تو ذوق بخوره و رفته رفته تو روح آدم بنشینه»
	تفاوت تربیت بین دختر و پسر در نهاد خانواده	کد ۸: «خب میگم دیگه بیشتر به خاطر این که همیشه مثلا گفتن این تفکر تو همه خانواده های ما بوده از همون بچگی مرد رو میگن تو باید محکم باشی تو باید فلان باشی دختریه ناخودآگاه یه خرده»
	شرایط متفاوت مابین دختر و پسر در خانواده	کد ۵: «تربیت خانوادگیمون این که مثلا از بچگی شرایط دیگه‌ی بود تا حالا پسرها»

کمبود امنیت در فضای شهر

این مقوله حاکی از آن است که تامین امنیت یکی از مسائل حائز اهمیت از نظرگاه زنان است. در واقع ناکافی بودن امنیت در فضای عمومی موجبات مشکلاتی نظیر سختی تردد برای زنان شده است. از سوی دیگر زنان اعتقاد دارند که امروزه مجازات کیفری راهی مطلوب برای تامین امنیت نیست و لازم است که امنیت پایدار در فضای شهری تحقق یابد.

کد ۶: «پسره مثلا با دوستاش میتونه بیرون بره از سن مثلا سیزده چهارده سالگی مثلا با دوستاش بیرون میره ولی دختریه هنوز نمیتونه چرا به خاطر این که نه این که دختریه مشکل داشته باشه ما جامعه مون امن نبوده میدونی»

کد ۹: «بین آخه یکی این که اولاً محیط ما چون مسکونی نیست من محل زندگیمون ساعت شش و هفت که میشه در واقع اداره ها تعطیل میشن کوجه ما می شه ببخشید عین مرده خونه قشنگ یا روز جمعه انقدر خلوت انقدر خلوت که سرتم بزنی تو خیابون هیشکی نیست بیاد بگه کی بود اصلا چی بود خب»

کمبود کارآمدی در امکانات و تجهیزات شهری

این مقوله حاکی از آن است که قرار دادن تجهیزات کافی نیست. در واقع لازم و ضروری است که تجهیزات شهری کارآمد گردند و این امر نیازمند این است که زیرساخت‌های شهری آماده گردد. کارآمد بودن مبلمان شهری سبب حضور بیشتر زنان در فضای شهر می‌شود. در واقع، کمبود کارآمدی تجهیزات شهری بر امنیت فضای شهر اثرگذار است.

کد ۲۱: «باید زیرساخت ها برقرار شه که مناسب باشه من میگم گذاشتن یه سری تجهیزات کمک نمیکنه یه شهر امن شه باید این تجهیزات کارآمد بشه»

کد ۲۴: «یه امکاناتی توی شهر مثلا روشنایی مثلا الان بعضی از محله ها واقعا روشنایی اش کمه یا نیست»

فقدان حمایتگری قانونی

قانون عنصر مهمی در حمایت از زنان است. از نظرگاه زنان، قانون قدرت بازدارندگی دارد و امکان کنترل اجتماعی را فراهم می‌کند. در واقع صیانت قانون از زنان یکی از راه‌های محافظت زنان از آسیب‌ها به‌شمار می‌آید. لذا کمبود حمایتگری از سوی قانون به عنوان یکی از مسائل اساسی توسط زنان مطرح شده است.

کد ۱۱ «مهمه قانونی از زن حمایت کنه باعث میشه که مرد به مقدار به قول معروف به بازدارندگی هایی داشته باشه که کمرنگ هست انگار نیست»
کد ۱۸ «قانونی که دارن مینویسن واقعا تو حالا چه در مورد محل کار من چه در مورد حالا تو سطح کلان کشور باید قانون رو طوری بنویسن که حقوق رو به صورت یکسان در نظر بگیرن ولی این طوری نیست از بالا تا پایین هم همین طور»

فقدان حمایت در مقابل آسیب‌های اجتماعی

حمایت از زنان در برابر آسیب‌ها از نظرگاه زنان بسیار حائز اهمیت است. آسیب‌های اجتماعی باعث ایجاد شبکه پیچیده و در هم تنیده‌ای از مشکلات در شهر شده است. به نظر می‌رسد این مقوله بیانگر این است که زنان در برابر آسیب‌های موجود در شهر حمایت کافی نشده‌اند. در واقع حمایتگری اصل مهمی در بستر جامعه است.

کد ۱۴ «به خانم ولی خب همون خانم خودش احساس امنیت نمیکنه اون آسیبهای اجتماعی زیاد هست و حالا کمک بشه به زنان»
کد ۲۴ «یه مسئله ای که ناامنی به وجود آورده مخصوصا توی پارکها یا مناطقی که برای حالا تفریح خانمهاست یا مثلا بچه ها یا هر چی وجود معتادین تو، معتادین زیاد بوده که یا در حال مصرف موادن یا این که در حال خرید و فروش موادن بعضا اینا از یه قشری هستن که ممکنه به آسیبای دیگه هم مثلا دست بزنن مثل دزدی کردن مثل زورگیری کردن و از اینجور چیزا این موارد، این مورد به نظرم تو هر منطقه ای که میزان، میزانش بیشتر باشه بیشتر ناامنی ایجاد می‌کنه»

فقدان سازکار حمایتی در فضای اشتغال

به نظر می‌رسد این مقوله گویای آن است که سازکار حمایتی در حوزه اشتغال برای زنان تعریف نشده است. در واقع زنان پست‌های مدیریتی را در شرایط برابر با مردان دریافت نمی‌کنند. افزون بر این فضای تشویقی برای زنان موثر است. با این وجود از نظر زنان این امر در جامعه خالی است.

کد ۲۷ «آره دیگه مثلا سر به کاری خب معمولا چون خانمها رو اگه انتخاب کنن به خاطر این که بتونن حقوق کمتری بهشون بدن میتونن راحتتر»
کد ۱۵ «مثلا بعضا خانمها این تصور رو دارن که ما استحقاقش رو داریم ولی سیستم بهمون مجال نداده سیستم همراهیمون نکرده ممکنه باشه»

کمبود اعتماد به نفس در زنان

این مقوله به نظر می‌رسد حاکی از آن است که ضعف اعتماد به نفس سبب چالش‌هایی برای زنان در جامعه گردیده است. در واقع کمبود حمایتگری در عرصه‌های مختلف سبب ضعف اعتماد به نفس در زنان شده است. در حالی که اعتماد به نفس بستری برای توانمندسازی زنان است.

کد ۸ «خودباوریش خودباوری یه چیزیه که تو اکثر خانمها وجود داره باورشون نسبت به خودشون ضعیفه و این باعث می‌شه که خانمها عقب تر میرن می‌دونی»

کد ۷ «یک ترسی یعنی من خودم به شخصه با این مشکل مواجه نبودم ولی دیدم خانمها احساس می‌کنن یک ترسی مثلا برگردوندن غذایی که خب خوب نبوده آقاهه حالا رد می‌شه برمیگرده پول منو بده این چه غذاییه ولی یه خانم میگه نه خجالت میکشم برم دعوا بکنه برم ردم بکنه اینجوری چی نه خانمها احساس می‌کنن یک نوع محدودیت خودخواسته»

عدم حمایتگری خانواده

این مقوله حاکی از آن است که در شرایط مختلف دختران مورد حمایتگری کافی از سوی خانواده قرار نگرفته‌اند. درحقیقت خانواده عاملی در طرد دختران شده است. این در حالی است که حمایت از سوی خانواده سبب پیشرفت و ترقی زنان می‌گردد و بر

موارد دیگر نیز اثرگذار است.

کد ۱۵ «خب خانواده نگاه بدی داشته باشه به جنس دختر لیبیل بخوره که مثلا این دختره اون پسره شاید اینها به خرده تو ذوق بخوره و رفته رفته تو روح آدم بنشینه»

کد ۸ «خب میگم دیگه بیشتر به خاطر این که همیشه مثلا گفتن این تفکر تو همه خانواده های ما بوده از همون بچگی مرد رو میگن تو باید محکم باشی تو باید فلان باشی دختره ناخود آگاه به خرده»

بحث و نتیجه گیری

شهر متعلق به همه شهروندان است و زیست پذیری برای کلیه شهروندان از اصول اصلی حقوق شهروندی است. با این حال زنان در شهر تهران با چالش‌هایی روبرو شده‌اند و امکان بهره‌برداری لازم و کافی از فضای عمومی شهر تهران ندارند. چرا که به دلیل کمبود حمایتگری، امکان زیستی آسوده در فضای شهری تهران برای زنان حاصل نشده است. اکنون زنان در فضای عمومی حضور دارند و در خیابان تردد می‌کنند. با این حال با مشکلات و چالش‌هایی در فضاهای شهری مواجه هستند.

افق مشترک و فصل مشترک فهم زنان پیرامون فضای شهری کمبود حمایتگری است. این امر در موارد مختلف جریان دارد و موجب پیمایشی از مشکلات و محرومیت زنان از حقوقشان شده است. با طرد زنان از جامعه، محرومیت و طرد اجتماعی به گروه‌های اجتماعی دیگر تسری پیدا می‌کند و هم‌چنین ظرفیت زنان در بهبود وضعیت اجتماعی جامعه از دست می‌رود.

با توجه به داده‌های پژوهش، نظرات زنان به ۴ تیپ تقسیم می‌شوند که عبارتند از:

گروه اول: قانون عامل ایجاد کمبود حمایتگری زنان در فضای شهر شده است. زنان بر این باور هستند که در کنار فعالیت‌های فرهنگی در حوزه آموزش و پرورش، نهاد خانواده و سایر کنش‌های فرهنگی، در راستای بهبود وضعیت زنان در فضای شهر تهران، قوانین حمایت‌گرایانه از زنان لازم و ضروری است. چرا که تنها با وجود کنشگری فرهنگی بهبود وضعیت امکان‌پذیر نیست. زنان در این گروه بر نگرش‌های کلان برای حل مسائل زنان در فضای شهری تمرکز دارند. چرا که بر این باور هستند که قوانین حمایت‌گرایانه سبب بازدارندگی و دلگرمی زنان در فضای شهری می‌شود.

گروه دوم: نگرش این گروه مبتنی بر نهاد خانواده است. در واقع پایه‌ای‌ترین نهاد در جامعه را به عنوان مسئول کمبود حمایتگری زنان تلقی می‌کنند. کمبود حمایتگری از سوی نهاد خانواده به شیوه‌ها و صورت‌های مختلف نشان داده می‌شود. فقدان درک صحیح از سوی پدران و تبعیض‌های جاری مابین دختران و پسران. این موارد سبب بروز احساس کمبود حمایتگری از سوی دختران شده است. نگرش‌های این گروه مبتنی بر اصلاح عملکرد نهاد خانواده در راستای حمایتگری از دختران است.

گروه سوم: این گروه بر ویژگی‌ها زنان تمرکز می‌کنند. به عبارتی ضعف اعتماد به نفس سبب مشکلات و چالش‌های جاری شده است. نگرش این گروه قائم به عملکرد زنان است و تلاش در راستای توانمندسازی حلقه کلیدی بهبود اعتماد به نفس است.

گروه چهارم: تمرکز این گروه پیرامون ترس از ناامنی اجتماعی در فضای شهر، ناکارآمدی تجهیزات شهری، ترس از آسیب‌های اجتماعی در شهر و چالش‌های جاری در فضای اشتغال است. این گروه بر این باورند که حمایتگری لازم در سطوح مختلف فضای شهری برای زنان وجود نداشته است. از سوی دیگر این گروه بر این باورند که آسیب‌های اجتماعی و ناکارآمدی تجهیزات شهری از عوامل اثرگذار بر امنیت اجتماعی است.

کمبود امنیت در شهر، ناکارآمدی تجهیزات شهری، رشد آسیب‌های اجتماعی و سایر موارد سبب می‌شود که امنیت در فضای شهر کاهش یابد و زنان در کنش‌های اجتماعی محتاطانه عمل کنند و در نتیجه احساس ناامنی کنند. در واقع فضاهای شهر در پاسخگویی به نیازهای زنان با مشکل مواجه است و امکان دسترسی به فضا و تحرک‌پذیری زنان محدود است. لذا لازم است که تهران به شهر هوشمند کارآمد تبدیل گردد. در واقع کیفیت محیط شهر ارتقا یابد و بستری مناسب برای زندگی فعال شهری ایجاد

شود. از سوی دیگر نیز ضروری است که زنان در مسیر توانمندسازی حرکت کنند. این امر سبب بهبود وضعیت زنان در شهر و هم‌چنین توسعه پایدار جامعه می‌شود.

منابع

- امیر ابراهیمی، مسرت. (۱۳۹۶). شهروندی و فضاهای طرد جنسیتی. هفت شهر، ۵۷: ۷۲-۸۰.
- ابراهیمی، مهدی. (۱۳۸۹). فضا و نظریه اجتماعی. جامعه‌شناسی ایران، ۱۰(۳)، ۱۶۱-۱۶۸.
- بابایی و همکاران (۱۳۹۵). تحلیلی بر عدالت جنسیتی در فضاهای عمومی شهرها مطالعه موردی: منطقه ۲ کلانشهر تبریز. همایش بین‌المللی زنان و زندگی شهری.
- برنر، نیل. (۱۳۹۸). شهر گشوده یا حق به شهر. مترجم همن حاجی میرزایی. فضا و دیالکتیک، ۱۱.
- پارکر، سیمون. (۱۳۹۷). نظریه‌ی شهر و تجربه‌ی شهری. ترجمه حمیدرضا تلخایی و فرخ مهرآئین. تهران: تپسا.
- تانیکس، فرن. (۱۳۸۸). فضا، شهر و نظریه اجتماعی مناسبات اجتماعی و شکل‌های شهری. ترجمه حمیدرضا پارسا و آرزو افلاطونی. تهران: دانشگاه تهران.
- توانا، سهیل و معصومه شفیعی. (۱۳۹۵). تفکیک جنسیتی در فضای شهری: مطالعه بوستان بهشت مادران. مجله جامعه‌شناسی ایران، ۱۶(۲)، ۱۰۷-۱۳۴.
- توفیق، ابراهیم و خراسانی، امیر. (۱۳۹۴). دوسودایی: فضا در زیمبل. مطالعات جامعه‌شناختی، ۲۱(۲)، ۹-۳۰.
- جارویس، هلن. کانتور، پاولا و کلارک، جانانان. (۱۳۹۷). شهر و جنسیت. ترجمه محمد شارع‌پور. تهران: نشر علمی و فرهنگی
- حیدری ساریان، وکیل. (۱۳۹۶). عوامل کاهش طرد شدن اجتماعی زنان روستایی (مطالعه موردی: زنان روستایی شهرستان اردبیل). زن و جامعه، ۸(۴)، ۱۸۵-۲۰۴.
- رضوانی، علیرضا. (۱۳۹۵). روح شهر بازتعریفی از شهر، فضا، فضای شهری و تعیین شاخص‌های روح بخش. معماری سبز، ۲(۴)، ۷۹-۵۵.
- رفیعان، مجتبی و حسین‌پور، علی. (۱۳۹۱). نظریه، شهر، فضا مدیریت شهری. تهران طحان.
- ژیلنیتس، آندژی. (۱۳۹۶). فضا و نظریه اجتماعی. ترجمه آیدین ترکمه. تهران: علمی و فرهنگی.
- غفاری، غلامرضا و امید، رضا. (۱۳۸۹). چرخش مفهومی و نظری از فقر به سازه‌ی مطروذیت اجتماعی. برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۴، ۳۵-۶۶.
- غلامی، ساهره. (۱۳۹۳). بررسی سینمای هتروتوپایی با رویکردی به مفهوم گفتمان قدرت فوکو. کیمیای هنر، ۲(۸)، ۴۵-۵۸.
- فراش خیابانی، مریم و شهبان، پویان. (۱۳۹۸). از کافه‌ها بیاموزیم: کافه‌ها به مثابه دگرفضاها. مطالعات شهری، ۸(۳۰)، ۱۰۹-۱۲۱.
- فرونی، نوشین و عزیزی‌پور، محمد. (۱۳۹۲). طراحی شهری دموکراتیک، از کالبد طرد شده تا تجلی حضور شهروندی. کنفرانس ملی معماری و شهرسازی، ۱.
- فکوهی، ناصر. (۱۳۸۳). انسان‌شناسی شهری. تهران: نشر نی.
- فیروزآبادی، سید احمد و صادقی، علیرضا. (۱۳۹۲). طرد اجتماعی: رویکرد جامعه‌شناختی به محرومیت. تهران: جامعه‌شناسان.
- کاظمی، حجت و عطار، سعید. (۱۳۹۴). صداها نا شنیده مقدمه‌ای بر طرد اجتماعی در تهران. تهران: شهر.
- کلانتری، بهرنگ و سجادی، ژیلا و رضویان، محمدتقی. (۱۳۹۹). ارزیابی و تحلیل شاخص‌های طرد در فضای شهری (مطالعه موردی: منطقه ۱۲ شهرداری تهران). دوفصلنامه جغرافیای اجتماعی شهری، ۷(۲)، ۱-۲۶.

- گونواردنا و همکاران (۱۳۹۳). فضا، تفاوت، زندگی روزمره. ترجمه افشین خاکباز و محمد فاضلی. تهران: تیسرا.
- محبوبی شریعت‌پناهی، نسیم‌السادات و جنگ‌زرگری، مریم. (۱۳۹۷). جداسازی جنسیتی فضاهای شهری و کیفیت زندگی زنان. شهرسازی و معماری هفت شهر، ۴(۶۱)، ۱۰۸-۱۱۶.
- نقدی، اسدالله و دارابی، سارا. (۱۳۹۳). دسترسی زنان به فضای شهری (مطالعه موردی: زنان شهر ایلام). زن در فرهنگ و هنر، ۴(۴)، ۴۶۱-۴۷۰.
- CHANT, SYLVIA. (2013). Cities through a “gender lens”: a golden “urban age” for women in the global South. *Environment & Urbanization*, 25(1), 9-29.
- GÜNEY, Yasemin İNCE. (2014). Gender and urban space: An examination of a small Anatolian city. *Balıkesir*, 11(2), 153-172.
- Huedo and et al. (2021). Inclusion of Gender Views for the Evaluation and Mitigation of Urban Vulnerability: A Case Study in Castellón. *Sustainability*, 13(18), 1-23.
- OJO, Stephen Sunday and POJWAN, Martina Alexander. (2021). Womens Empowerment and Gender Equality in Urban Areas: New Threats and Potentials in Nigeria. *International Journal of Research and Innovation in Social Science*, V(Vi), 724-728.
- van Lieshout, Marc (2001). *The exclusive society – elderly people and ICT*. Part of the IFIP — The International Federation for Information Processing book series, 57.
- WEKERLE, GERDA R. (2013). *Gender and the City: Urban Restructuring, Social Exclusion, and Democratic Participation*. *Gender and the City*, Oxford Press, 231-253.

Women's perception about the space of Tehran city

Reyhaneh Baazm¹

PhD student in sociology, science and research department, Islamic Azad University, Tehran, Iran

khadigeh Safir²

Professor, Department of Social Sciences, Al-Zahra University, Tehran, Iran (Corresponding Author)

Khalil Mirzaei³

Associate Professor, Department of Social Sciences, Roudhen Branch, Islamic Azad University, Roudhen, Iran

Abdolhossein Kalantari⁴

Associate Professor of Sociology, University of Tehran, Tehran, Iran

Abstract: *The main goal of this article is to study the perception of women around the urban space of Tehran. Therefore, this article has adopted a qualitative approach based on phenomenology to study the phenomenon of social exclusion of women in the urban space of Tehran, and for this purpose, 29 women between the ages of 20 and 45 living in Tehran were selected and interviewed based on the logic of purposeful sampling. done. The results of this research indicate that women face a lack of support in various fields in the society. In fact, they have faced issues such as lack of security in the city, lack of efficiency in urban facilities and equipment, lack of legal protection, lack of protection against social harm, lack of support system in the employment environment, lack of self-confidence and lack of family support. These cases have weakened and deprived women of their rights. On the other hand, with the exclusion of women from society, deprivation and social exclusion spreads to other social groups, and the capacity of women to improve the social status of society is lost.*

Keywords: *Social exclusion, women, urban space, Tehran.*

¹ Email: yekta.bzm1987@gmail.com

² Email: kh.safiri@alzahra.ac.ir (Corresponding Author)

³ Email: Mirzaee_khalil@riau.ac.ir

⁴ Email: abkalantari@ut.ac.ir